

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان

اژدر بچه

اژدری دیدم میان اژدها ها خشمگین
با نگاه زهر آگین ، چشم های آتشین
با کلام زشت و نامطلوب و بی مرچ و نمک
با زبان و نیش و ، با دندانهای آهنین
با غرور و کبر فرعونی و نمرودی ، همی
میرود با مرکب جهل و جهالت جنگ دین
وحشیانه می چرد ، می بلعد و ، هم می درد
می نترسد از خدای ، آسمانها و زمین
رحمی هرگز می ندارد ، بر یتیم و بیوه زن
غارت عالم نموده ، از یسار و از یمین
سر ز امریکه بلند کردست ، آن اژدر بچه
از پدر دارد نشانی ، قتل و غارت ، بغض و کین
منزل دل را ، در و دیوار شد ، سوراخ موش
سینه ها پُر داغ ، از جور و جفای آن لعین
بی پدر ، هستی عالم را ، همه تاراج کرد
(هیتلر) و (چنگیز) ، بنهاده دم پایش جبین

قاره ها آتش گرفته ، مملکت ها سوخته
 شهر ها ماتمرا و باعدم ، اهلش قرین
 لشکر بیداد وی شرمی ندارد ، از خدا
 خواهر و مادر ، زن و فرزند شان بینی عجین
 اسپ خود را قیضه کرده می دواند شرق و غرب
 از طلای خام و چرم میش ، قمچین است و زین
 در اروپا و ، در افریقا و هم در آسیا
 هیچ کس را جرأت گفتن نباشد آن و این
 هر اجیر مفتیه خورش ، چون رئیس مملکت
 صاحب جاه و مقام و تخت و تاج است و نگین
 در گدام شخصی هریک ، قطار اندر قطار
 کندو کندو ، پُر زغله ، سیم و زر ، پُر خورجین
 موش ما روباه شد و روباه ما کفتار و ببر
 اژدری زاییده شد از اجتماع ماء و طین
 زهر جانس کن الهی ، هم قروت و تَنَتَلَش
 چون تلک ، بشکست ، شد هر موش ، مار آستین
 مست و مدهوشند از سُکر غلیظ گاز و نفت
 زان سبب وضع جهان بینم چنان و گه چنین
 ای خدا ! یک گربه ای را خلق کن بر جان موش
 تا بگیرد انتقام مورچه های مُستَعین
 خامه «نعمت» چنین از موش وبوش ولوش وپوش
 شکوه ها بنمود ، بر درگاه رب العالمین